

تحلیل ساختار ساز و کار سیاست گذاری آموزشی در نظام آموزش عالی

❖ پوریا فاتحی^{۱*} ❖

صفحه: ۱۸۹-۲۰۴

چکیده

بی شک هر دانشگاهی مبتنی بر ساختار، علل شکل گیری و کارکردهای خود جهت توسعه و دستیابی به رسالت های تعیین شده مسیر مشخصی را مطابق راهبردها و برنامه هایشان که ریشه در سیاست گذاری های آنها دارد ترسیم نموده اند. لذا چگونگی طی این مسیرهای مشخص می تواند نقشه راهی برای نهادهای علمی و پژوهش از جمله آموزش عالی کشور باشد. پژوهش حاضر به منظور بررسی رویکرد سیاست گذاری در نسل جدید دانشگاه ها و الگو برداری از آن در جهت بهره وری آموزش عالی کشور سعی نموده تا علاوه بر مطالعه اشکال و کارکردهای نسل جدید دانشگاه ها در کنار تبیین چالش های آموزش عالی کشور به ارائه الگویی مفهومی برای سیاست گذاری در آموزش عالی ایران بپردازد و در این زمینه راه کارهای علمی و عملی ارائه نماید..

واژگان کلیدی: سیاست، سیاست گذاری آموزشی، سیاست گذاری آموزش عالی

■ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

■ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۲۷

^۱. دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
pooryafatehi@yahoo.com

مقدمه

سیاست بیان مقاصد، طرح یک اقدام یا مجموعه ای از اصول راهنما در یک موقعیت گسترده و به معنای قدرت برای تعیین مواردی است که «باید یا نباید» انجام شوند. سیاست محصول یا نتیجه نیست، مقصد است. سیاستها بیانگر مقاصدند نه اهداف. سیاست بیشتر از جنس فرایند است و با مواردی که بیانکننده طرح یا برنامههای اجرایی هستند تمایز دارد. سیاست اعمال قدرت برای تعیین مواردی است که باید به اجرا در آیند. سیاست مشخص میکند چه کسانی از آن سود و بهره ببرند و به چه منظوری دنبال میشود و چه کسانی یا چه محلهایی هزینه آن را میپردازند. (تورانی، ۱۴۰۱).

امروزه بی تردید جهانی شدن و گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در سراسر جهان به ویژه جوامع دانایی محور، اشتیاق فراوانی را برای توسعه آموزش عالی و در دسترس قرار دادن فرصت های یادگیری مداوم ایجاد کرده است. گسترش مبادلات بین المللی و دسترسی آسان تر به مردمان جوامع مختلف در سایه پیشرفت علمی و فناوری، مفهوم مرزهای جغرافیایی و محصور بودن مکان معین را به چالش کشیده و نظام های آموزشی را با مفهوم شهروند جهانی و مقید بودن به توسعه و بهسازی این شهروندان در جای جای دنیا آشنا ساخته است. توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و برقراری کنفرانسهای بین قاره ای و ماهیت دانش به طور کلی نشان دهنده این مسئله است که علم و تخصص حد و مرزی نمی شناسد و دانشگاه ها به طور اجتناب ناپذیری موسسات بین المللی محسوب می شوند (واجارگاه، زارع و یمنی، ۱۳۸۸). در آموزش عالی کشور ما در سه دهه گذشته پیشرفت و افزایش قابل توجهی در زمینه تعداد دانشجویان و افزایش نسبت ثبت نام به جمعیت گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ ساله و نیز ارتباطات علمی و بین المللی دانشگاهی بوجود آمده است (وبسایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۴۰۰). افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به رشته های دانشگاهی و سیل مدرک گرایی در مهروموم های اخیر، بازار آموزش عالی را داغ و شکل گیری سریع و ناموزون مراکز و موسسات دانشگاهی را در پی داشته و در عین ناباوری با سیاست گذاری های غلط نیز حمایت شده است. طبیعتاً برآند چنین روند تکانشی در رشد بی رویه مراکز دانشگاهی، افت شاخص های کیفیت در نظام آموزش عالی کشور بوده است (عزیزی، صاعد موجشی، ۱۳۹۹).

سهم بالایی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و سیاسی هر کشور متأثر از پیشرفت های علمی و پژوهشی دانشگاه ها و مرکز علمی به عنوان نهاد های پیشگام و سپر گستر می باشد (ها لپس، ۲۰۱۴) از این رو شناسایی نسل جدید دانشگاه ها و مراکز علمی می تواند الگویی مناسب و آزمون شده در فرآیند توسعه باشد. شناسایی و تحلیل دقیق این چالش ها در کنار شناخت سیاست های دانشگاه های مختلف می تواند پیش زمینه ای برای سیاست گذاری در آموزش عالی کشور در تدوین اهداف و استراتژی ها جهت دستیابی

به آرمان آموزش عالی که همانا کسب رتبه نخست علمی در منطقه است خواهد بود (واعظی، قورچیان، ۱۳۹۶).

ادبیات موضوع

برسنیک^۱ (۱۹۸۲) از سیاست به عنوان حوادث مهمی برای فعالیتهای سازمان مسیر فراهم می کند، نام می برد. پیتز دلبیو.هاوس^۲ (۱۹۸۲)، تحلیلگر سیاست، معتقد است که هدف سیاست، «اصلاح کشتی دولت» و تغییر مسیر آن متناسب با «شرایط جوی» است. رز^۳ (۱۹۶۹) این نکته کلی را مطرح می کند که سیاست یک سلسله فعالیتهای مرتبط به هم و عواقب آن را شامل می شود.

به قول ایولو و پرویت^۴ (۱۹۷۳) دو محقق سیاست، سیاست عبارت از تصمیمی است که توالی و تکرار آن را توسط افراد مجری سیاست و کسانی که سیاست در مورد آنان اعمال می شود، می توان از ویژگیهای آن دانست. دانشمندان علوم تربیتی سرجیووانی^۵ و برلینگیم^۶، کومز^۷ و تورستون^۸ (۱۹۸۰) سیاست را هر نوع ارتباط قدرت مدار بین رفتارهای منتظره اشخاص در شرایط و مناصب ویژه می دانند.

هرچند یکی از مکاتب فکری مبین آن است که سیاست عبارت از یک تصمیم یا سلسله تصمیمات است، مکتب دیگر سیاست را سیر توالی یک عمل می داند. جنکینز^۹ (۱۹۷۸) سیاست را یک سلسله تصمیم های مرتبط به هم تعریف می کند که به اهداف و چگونگی نیل به آن ارتباط دارد. (آشنا به نظر می رسد؟ خوب، کمی شبیه تعریف برنامه ریزی است، نه؟) به نظر ایستون^{۱۰} (۱۹۵۳) سیاست شبکه ای از تصمیمات مرتبط با ارزشها است، اما هکلو^{۱۱} (۱۹۷۲) سیاست را یک سلسله اعمال یا مسکوت گذاشتن اعمالی که برای نیل به اهداف لازم است می داند و عقیده دارد که سیاست عبارت از اقدامات یا تصمیمات ویژه نیست. همچنین اندرسون^{۱۲} (۱۹۷۹) نیز با ذکر «سلسله اعمال»، سیاست را اقداماتی هدف مدار که توسط یک یا چند نفر برای حل یک مسأله یا رسیدن به یک خواسته انجام می شود تعریف می کند. بولاک^{۱۳}، اندرسون و برادی^{۱۴} (۱۹۸۳) مفاهیم مرتبط با تعریف سیاست را به شرح زیر خلاصه کرده اند:

^۱ Bresnick

^۲ P.W.House

^۳ Roze

^۴ Eulau and Prewitt

^۵ Sergiovanni

^۶ Burlingame

^۷ Coombs

^۸ Thurston

^۹ Jenkins

^{۱۰} Easton

^{۱۱} Heclo

^{۱۲} Anderson

^۱ Bullock

^۲ Brady

*سیاست به جای آنکه رفتارهای تصادفی باشد، رفتارهایی هدف مدار است.

*سیاست شامل یک سلسله اعمال است ولی نمی توان آن را تصمیمات مستقل از کارکنان دولت دانست.

*سیاست عبارت از اقدامات دولت است که می تواند با آنچه دولتها درباره اعمال خود می گویند، تفاوت داشته باشد.

*سیاست جهت مدار (اعم از مثبت یا منفی) است. سیاست مثبت نشان دهنده آن است که دولت به حله مسأله تصمیم گرفته، در صورتی که سیاست منفی به معنای عدم دسترسی دولت به امکان حل مسأله است.

*سیاست عمومی مستلزم هماهنگی بوده، بر قانون متکی است. معمولاً کسانی که از این سیاست سرپیچی کنند به عنوان تنبیه جرمه یا زندانی می شوند.

بررسی تعدادی از اجزای مهم سیاست عمومی ما در فهم ابعاد مختلف و فرایند سیاست یاری می کند. یکی از نکات مهمی که به فهم سیاست کمک می کند، مجموعه اجزای سیاست است که توسط جونز^۱ (۱۹۸۴) عنوان شده است؛ اینها عبارت است از نیت، اهداف، طرحها یا پیشنهادها، برنامه ها، تصمیمات یا گزینشها، و نتایج یا اثرات. اگر به معانی توصیف هایی که توسط جونز برای فرایند و تحلیل سیاست ارایه شده پی ببریم، پایه اطلاعات ما جهت بررسی ادراکات مختلف نویسندگان دیگر تقویت خواهد شد.

جونز توضیح می دهد که اصطلاح سیاسی را می توان به عنوان صفت با هریک از اجزای فوق به کار برد. اما هنگامی که این اصطلاح به جای هریک از اجزای مزبور به کار می رود، گبیج کننده است. اصطلاحات مورد استفاده آموزش و پرورش و آموزش عالی نظیر قوانین، پایگاه اجتماعی، مقررات، حداقل ضوابط، خطوط راهنما، نظرات حقوقی، قوانین تربیتی و مقررات، انجمن های مدارس محلی را در اغلب مواقع با عنوان سیاست می شناسند. درباره تعاریف و ادراکات مختلف مشکلی وجود ندارد، اما پیش از مطالعه هر سیاست بهتر است کنش ها و محتوای آن را بشناسیم و یک روش اساسی برای راهنمایی اقدامات خود داشته باشیم.

هلب^۲ (۱۹۸۷) تصریح می کند که سیاست آموزشی یک نتیجه یا محصول است، لهذا، تشخیص تجزیه و تحلیل فرایند مرتبط با نتیجه یا محصول می تواند به فهم بیشتر آن کمک کند. به علاوه، به نظر او اگر سیاست را به عنوان سلسله اعمالی که برای یک عده انجام می دهیم بگیریم، باز هم باید اصطلاح «آموزشی» را معنی کنیم. «آنچه سیاست را به عنوان یک پدیده آموزشی مشخص می کند آن است که سیاست یا به منزله علم اجتماعی یا به مفهوم کمکی برای ما ارضا کننده است» (ص، ۴۲۷). از اینرو، اگر آموزشی به فراگیری یک نقش فرهنگی یا اجتماعی اشاره داشته باشد معنای علوم اجتماعی به خود می گیرد. اگر بر ادراکات کلی مبتنی

^۳ Jones
^۴ Heslep

بر رشته‌های نظری دلالت داشته باشد، مفهوم سنتی را به ذهن متبادر می‌سازد. و بالاخره اگر پای فعالیتهای مکمل دو مقوله دیگر در میان باشد، سیاست معنایی پیدا می‌کند که به آن کمکی می‌گویند.

کمپ بل^۱ و مازونی^۲ (۱۹۷۶، ص، ۶۰) سیاست آموزشی را چیزی تعریف می‌کنند که «به تخصیص ... مواد تحصیلی و بودجه، کارکنان آموزشی، نوآوری برنامه‌های درسی، اختیار چانه‌زدن و ترکیب نژادی گروههای محصلین ... جهت می‌دهد». این دو «تصمیم سیاسی» را به یک فرایند، نوعی واقعه می‌دانند. از اینرو، پیامد عبارت از نتیجه یک تصمیم سیاسی است و تأثیر یک پدیده را بر محیط آموزشی نشان می‌دهد.

مرور دقیق توضیحات و تعاریف نمونه فوق روشنگر اجزای سازمانی، رفتاری، مشکل‌گشایی، ارشادی، منتج (انفعالی)، اصلاحی و تصمیم‌گیری سیاست است. این اجزاء تکمیل‌کننده تلقی سیاست به عنوان تصمیمی است که بر جریان ارادی یک عمل یا یک سکون تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، سیاست آموزشی یک سلسله اعمال مشخص ناشی از یک تصمیم یا یک انتخاب است که هریک از سطوح فعالیتهای دولتی برای حل مشکلات عمومی تعقیب می‌شود، یا در حالت بی‌تصمیمی به سکون منجر می‌شود.

مفاهیم سیاست گذاری

سیاست گذاری آموزشی از جنبه‌های متعدد مورد مطالعه قرار گرفته است. میچل^۳ (۱۹۸۸) دو دسته تحقیق مربوط به فهم سیاست در مدارس دولتی ثبت کرده است. یکی از این دو دسته تحقیق بر توزیع قدرت در بین سهامداران متمرکز است و حاصل آن تعامل در میان گروههای قدرتمند برای ارائه فرایند سیاست گذاری است (یعنی نشان می‌دهد که انواع تصمیمات چه موقع و چگونه اتخاذ می‌شود)، دسته دوم بر محتوای سیاستهای آموزشی دولت استوار است و عواقب اقدامات دولت در عملکرد تغییرات مراکز تحصیلی (یعنی آنچه انجام می‌شود) ارزیابی می‌کند.

نظرات دیگری که مک‌نی^۴ و اوزگا^۵ (۱۹۸۵) ارائه داده‌اند، **جمع‌گرایی**^۶ (کثرت‌گرایی) را یک چشم‌انداز نظری و مطالعات موردی را روش اساسی جانبداری و روشن ساختن نظریه می‌دانند. جمع‌گرایی به تنوع اثر انواع عوامل بر فرایند تصمیم‌گیری نظر دارد و مترصد تبیین چارچوب نظریه است. جمع‌گرایی مدعی است که مطالعات فرایندی در اغلب مواقع تأثیر عوامل را نادیده می‌گیرد یا برای آن اهمیت چندانی

^۱ Campbell

^۲ Mazzoni

^۳ Mitchel

^۲ Macnay

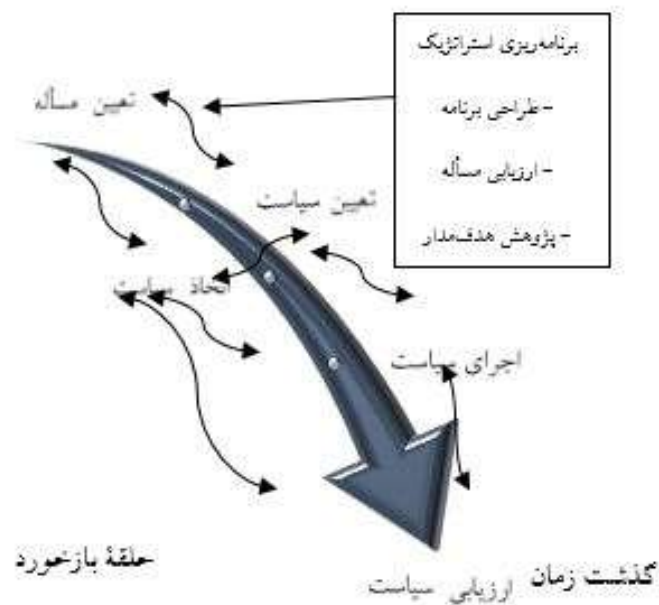
^۳ Ozga

^۴ Pluralism

قائل نیست. مطالعات موردی در حالت مطلوبیت کامل (ایده آلی) مترصد گردآوری اطلاعات تفصیلی و تجزیه و تحلیل اطلاعات مزبور برای آشکار ساختن چرایی، چگونگی و ماهیت سیاست گذاری است. در اکثر مواقع می بینیم که اجزای پراکنده ای نظیر ارزیابی برنامه، روشنگر تجزیه و تحلیل سیاست است. تجزیه و تحلیل برنامه جدا از دیگر جنبه های فرایند نظریه برای اشاعه تغییرات فراوان در سیاست گذاری، یا برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست گذاری، چندان مناسب نیست.

فرایند سیاست گذاری

اصلاحات آموزشی دولتی، سیاست گذاری و برنامه ریزی را می توان از طریق سیاست گذاری گروه بندی و مطالعه کرد (پورتنی، ۱۹۸۶). به نظر پورتنی، در اکثر مباحث کلی مرتبط با مفهوم تحقیق درباره سیاست-گذاری، فرایند سیاست گذاری شامل پنج گام است، هر گام از گام ها یا عوامل قبل یا بعد از خود تأثیر می پذیرد.



شکل ۱: رابطه فرایند سیاست گذاری و برنامه ریزی استراتژیک

اگر بپذیریم که این پنج گام مهمترین گام‌های فرایند سیاست گذاری است، لازم می‌آید به این نکته نیز اشاره کنیم که حدوث این گام‌ها، الزاماً متوالی نیست. هر چند شکل شماره ۱ فرایند سیاست گذاری را به صورت یک خط نشان می‌دهد، در واقع سیاست گذاری عمومی یک فرایند سیاسی است. از اینرو، مراحل پنجگانه را می‌توان حلقه‌های یک سلسله فعالیت دانست که دارای قوت و قدرت سیاسی است و در محدوده زمان سیر می‌کند. همه این حلقه‌ها با یکدیگر تأثیر و تأثر دارند، می‌توانند در هر لحظه به‌طور همزمان در یک نقطه مفروض در کنارهم قرار گیرند، یا هم می‌توان آنها را به شیوه‌ای که در شکل ۱ دیده می‌شود مرتب کرد. چارلز لیندبلوم^۱ (۱۹۸۰)، یکی از طرفداران مشهور برداشت فرایندی معتقد است که «سیاست می‌تواند خود به خود حادث شود».

برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی عقلانی و سیاست-مدار^۲ است. هریک از اجزای (موضوع در دست برنامه‌ریزی) در تدوین اهداف کمک می‌کند و در همان حال هر هدف به یک نتیجه متفاوت منتهی می-گردد. دی آمیکو^۳ (۱۹۸۸) چهار گام اساسی برنامه‌ریزی استراتژیک را چنین مشخص می‌کند:

* برنامه‌ریزی برای برنامه‌ریزی

* ارزیابی مسائل

* اجرای دستورالعمل مبتنی بر تحقیق

* تعیین تصویری از شقوق مختلف سیاست اجرایی

در گام نخست، هدف آن است که یک گروه برنامه‌ریز مورد تأیید مدیریت ارشد، برای تکمیل کار برنامه-ریزی مشخص گردد. سپس گروه مزبور با استفاده از برنامه‌ریزی استراتژیک به تعدادی مسأله نهایی و کاملاً تعریف شده می‌رسد. در گام سوم اثرات حال و آینده مسائل از طریق تحقیقات مرتبط با اهداف برنامه‌ریزی مشخص می‌شود. سرانجام، گروه برنامه‌ریز به تصویری از شقوق مختلف سیاست اجرایی دست می‌یابد (دی آمیکو، ۱۹۸۸: صص ۱۳-۹).

باتوجه به اینکه در فرایند مزبور شقوق مختلف سیاست اجرایی مشخص می‌شود، می‌توان معلوم داشت که فرایند سیاست گذاری چگونه می‌تواند از مراحل طرح مسأله، تدوین سیاست و اتخاذ سیاست با استفاده از برنامه‌ریزی استراتژیک تأثیر بپذیرد. این تأثیر می‌تواند در تمامی حلقه‌های ارتباطی فرایند سیاست گذاری مشهود باشد. از اینرو، برنامه‌ریزی می‌تواند به پیشرفت سیاست‌های استانی و محلی کمک کند. در اینجا کل فرایند را فرایند سیاست برنامه‌ریزی می‌دانیم که در محدوده‌ای نزدیک به عقل‌گرایی مقید صورت می‌گیرد،

^۱ Charls Lindblom

^۲ Policy – Oriented

^۳ D, Amico

یعنی در جایی از «شکاف» نزدیک به «آنجا که قرار داریم» واقع می‌شود، زیرا فرایند سازماندهی مسلط‌ترین متغیر کنترل‌کننده است.

سیاست گذاری عمومی

سیاست گذاری عمومی به عنوان یک دانش بین رشته ای، مولفه‌هایی را از رشته اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق گردهم می‌آورد تا برای مشکلات جامعه و دولت، راه‌حل‌های عینی و کارآمد ارائه نماید. علوم سیاست گذاری می‌کوشد شناخت عملی ما را در زمینه سیاست‌های بخش عمومی گسترش دهد؛ محتوا و جوهره «رسته‌ها» و دخالت‌های دولتی در امور را بازشناسد و در یک کلام، از فعالیتهای بخش عمومی به صورت خرد سخن گوید: دولت چه جنبه‌هایی از امور عمومی را به عهده گرفته است؟ سیاسی یا اداری؟ منطقه‌ای یا ملی؟ چگونه؟ در پاسخ به چه مسأله‌ای؟ با چه ابزاری؟ با چه نتایجی؟ و برای چه کسی؟ علوم سیاست گذاری از امنیت عمومی آموزش کادرهای دولتی، پیشبینی فعالیتهای دولت، امور مالی، حمل و نقل، برنامه ریزی شهری و خلاصه، از تدبیر امور جامعه سخن به میان می‌آورد (گراویتز^۱ و همکاران، ۱۹۸۵: ۱۴۵). علوم سیاست گذاری، بخشی از جنبش عقلایی کردن زندگی بشری و عقلایی عمل کردن بشر است که به کمک آن انسان سعی می‌کند به تسلط روزافزونی بر زندگی اجتماعی خویش دست یابد «تحلیل سیاست‌های عمومی»، حلقه مفقوده‌ای است که پژوهشگران را در شناخت تجربی پیچیدگی قانون گذاری حکومتی و ماهیت آن یاری می‌دهد. (دوران، ۱۹۹۰: ۱۶۹) و بالاخره به بیانی فنی‌تر، علوم سیاست گذاری عبارت است از: ترکیبی از علم، مهارت و هنر؛ علم، بدنه تئوریک، مفاهیم و روش‌های اساسی آن است؛ مهارت، مجموعه‌ای هست از تکنیک‌های کاربردی، قواعد عملی و روش‌های عملیاتی «استاندارد»؛ و هنر، عبارت است از: مشی، سبک و حالتی که کاری انجام می‌شود (مچرزوک، ۱۹۸۴: ۱۵۹) بر اساس آنچه گذشت، یکی از وظایف پژوهشگر علوم سیاست گذاری می‌تواند آن باشد که مسائل جامعه را به طور عینی و خرد، تحلیل و بر پایه آن توصیه‌هایی کاربردی به سیاستمداران ارائه نماید و بدینسان، دولتمردان را در جهت انتخاب بهترین راه‌حل‌ها یاری کند (یحیی کمالی، ۱۳۹۳، ص ۹۵).

سیاست آموزش عالی

تحولات سریع در عرصه‌های مختلف حیات بشری، ظهور جامعه و اقتصاد دانش‌بنیان و رشد چشمگیر فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی نه تنها تغییرات پارادیمی عمیقی را در نظامهای اقتصادی و اجتماعی در پی داشته بلکه سبب شده است تا نوآوریهای علمی و فناوری به عنوان دو ستون اصلی این تحولات طرح شوند و مراکز دانشگاهی نیز به منزله پیشران‌های اصلی فرایند توسعه اقتصادی نقش و جایگاه والایی کسب کنند

^۱ Geurts

(عزیزی، ۱۳۹۶). لذا با اهمیت یافتن نقش علم و فناوری در جهان تفکر عامه مردم نیز متأثر از الزامات جامعه جهانی برای کسب جایگاه اجتماعی و اقتصادی بهتر، افزایش تقاضا برای بهره‌مندی از فرصت‌های دانشگاهی نیز به نحوی رو به تزايد بیشتر شده است. در همین راستا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران نیز مانند سایر مراکز آموزش عالی دنیا، رسالت و وظیفه سنگینی برای تربیت اصولی دانشجویان بر اساس نیازهای کشور به عهده دارند که مستلزم تلاش، کوشش و پیگیری هدفمند است و باید دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی کشور بکوشند تا ضمن فراهم کردن بستر لازم برای واکاوی زمینه‌ها و علل مشکلات جاری در نظام دانشگاهی کشور، نسبت به بازبینی نظام و ساختار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور و هم‌ین‌طور برنامه‌های اجرایی آن اهتمام و با انجام اصلاحات ضروری در آنها به افزایش تناسب این نظام با شرایط و چالش‌های پیشروی آینده اقدام کنند. با وجود این ملاحظه شواهد موجود تردیدی باقی نگذاشته است که در شرایط جاری آموزش عالی کشور، سیاستی روشن، طرح و برنامه‌ای مناسب و سازوکار اجرایی اثربخشی برای انجام صحیح چنین رسالت خطیری به صورت منسجم و هماهنگ وجود ندارد. به عقیده بعضی از صاحب‌نظران، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، عمده هدف خود را در تربیت نیروهای متخصص، آن هم بدون پیشبینی در زمینه نیازهای تخصصی آینده کشور خلاصه کرده و هم خود را به رشد کمی دانشجویان و مقاطع تحصیلی معطوف داشته‌اند (ابوحوزه، ۱۳۷۶، ص ۱). از اینرو، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران همانند دیگر وزارت‌خانه‌های کشور به دلیل اتخاذ رویکردی کمیت‌گرایانه در سیاست‌های توسعه‌ای خود هنوز قادر نبوده است که به سامان‌های اجتماعی مدرن و دارای قابلیت‌های سیستماتیک تبدیل شود. بدیهی است که با وضعیت کنونی‌اش نه تنها از عهده تحقق اهداف علمی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله بر نخواهد آمد، بلکه در اجرای برنامه‌های مصوب سالانه‌اش نیز با چالش‌هایی اساسی مواجه خواهد شد. در صورتی که ارتقای سطح کیفیت فرایندها و فعالیت‌های این وزارتخانه مستلزم یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد و مدیریتی اثربخش و از همه مهم‌تر مطالبات سیستماتیک و نهادینه‌شده در جامعه است؛ اما شواهد امر نشان می‌دهد که با بحران ناکارآمدی همه نظام آموزش عالی کشور تهدید و آن را با چالش‌هایی اساسی مواجه کرده است. در این، ارتباط تمرکز ساختاری، ضریب نفوذ بالای کنشگران و جریان‌ات سیاسی پر قدرت، کاهش شدید منابع و امکانات و تناسب نداشتن برنامه‌ها و محتوای رشته‌های دانشگاهی با نیازهای متغیر بازار کار و در نتیجه نرخ رو به تزايد دانش-آموختگان دانشگاهی بیکار از جمله عوامل آسیب‌زایی هستند که نظام آموزش عالی را به شدت تحت فشار قرار داده‌اند (عزیزی، ۱۳۹۶؛ عزیزی، ۱۳۹۵؛ هادی‌پیکانی، ۱۳۸۸).

بحث و نتیجه گیری

دسترسی به فرصت های آموزشی، شرایط کسب درجات تحصیلی، نظام ارزشیابی و قوانین مربوط امتحانات دانشگاهی و همچنین شرایط و ضوابط استخدام اعضای هیئت علمی و شیوه نامه های ارتقای حرفه ای آنها را تعیین می کند (ون ووت، ۱۹۹۴) در واقع به باور فراستخواه و منیعی ۱۳۹۳، یکی از مهمترین آسیب های برنامه ریزی آموزش عالی در کشور ایران ساخت و ریخت بیش از اندازه هرمی و متمرکز و عمودی بوده است. در چنین اتمسفری نهادهای دولتی و حکومتی نقشی خودخوانده، بیش از آنچه باید داشته باشند، در سیاست گذاری و برنامه ریزی آموزش عالی برعهده گرفته اند؛ جایگاهی صرفاً در الگوی مداخله حداکثری تعریف و نمود می یابد. در صورتی که معنای موجه و منطقی برنامه ریزی این است که در حقیقت، نوعی پلتفرم اطلاع رسانی و ارشادی برای تولیدکنندگان و کاربران اصلی علم و فناوری و نوآوری و ذینفعان اجتماعی آن فراهم بیاورد. بر این اساس الگوی مطلوب برنامه ریزی به جای قیمومت، زمینه ساز مشارکت و شراکت ذینفعان کلیدی در این فرایند است. بدیهی است که به دلیل اهمیت نقش و کارکردهای دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و دامنه و شعاع آثار و پیامدهای چنین نهادی در نظام های اجتماعی و اقتصادی، مشارکت و موافقت ذینفعان در عرصه سیاست گذاری آموزش عالی و برنامه ریزی دانشگاهی ضرورت و اهمیتی دو چندان می یابد.

به هر حال آسیب شناسی و تحلیل سیاست ها و فرایند سیاست گذاری آموزش عالی کشور و آثار و پیامدهای آن اقدام مهمی است که اگر مسئولان امر به آن عنایت و توجه کنند، در بازنگری مسیر توسعه آموزش عالی کشور مورد بهره برداری واقع شود، بسیار سودمند خواهد بود. این مهم به ویژه از جنبه نرم افزاری و مغزافزاری و همچنین فرایندهایی که در فراهم کردن بستر علمی تولید محتوا و متن روزآمد دانشگاهی نقش دارد، جای درنگ ندارد. آنچه عیان است این است منابع علمی و متون مورد استفاده در دانشگاه ها در اکثر رشته های دانشگاهی ترجمه ای بوده که نه تنها حامل یک تأخیر تئوریک هستند بلکه عموماً به جریان روزمره زندگی شغلی، کاری و تولیدی و نیازهای رو به توسعه مردم به نحوی ارگانیک مرتبط نیست (عزیزی، ۱۳۸۷). و لذا برون دادهای چنین نظامی از کفایت و کیفیت لازم برای تأمین نظر کارفرمایان و صاحبان بنگاه های صنعتی و تجاری برخوردار نیستند. به طور خلاصه اتکا بر سیاست های لحظه ای که مبین نوعی روزمرگی در نظام آموزش عالی کشور بوده و ناشی از سیاست زدگی مفرط این نظام مهم است، افول اعتبار دانشگاه و دانشگاهیان و تنزل جایگاه علم و عالم در تحولات جاری جامعه را در پی داشته و سبب غفلت از شاخص های کیفی در فرایند ارزیابی عملکرد سیستم دانشگاه در سطوح کلان و خرد شده است. طبیعی است که آسیب هایی چون فرسودگی شغلی زود هنگام اساتید، بی انگیزگی مفرط دانشجویان، عدول

از قوانین و استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در انجام وظایف حرفه‌ای به‌ویژه در نشر آثار علمی و پژوهشی و ده‌ها سوژه مسئله‌ساز از این دست برآیند طبیعی اجرای چنین سیاست‌هایی است که دور از مرکز ثقل آموزش تدوین و به اجرا گذاشته شده‌اند.

بدیهی است که برای ایجاد تحول در این عرصه کشور باید همسو با تحولات روز دنیا در سیاست-گذاری، از سنتی تبعیت کند که باید مبتنی بر واقع‌بینی و ارزیابی دقیق از شرایط موجود محیط اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و با لحاظ کردن استقلال آکادمیک بوده و با دید روشن‌تری افق و چشم‌انداز آینده دانشگاه‌ها تدوین نماید. در پرتو چنین فضایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌توانند با برنامه‌ریزی راهبردی، اتخاذ رویکردهای بین‌رشته‌ای^۱، میان‌رشته‌ای^۲ و فرارشته‌ای^۳، بهره‌گیری از محتوای درسی مسئله‌محور و کلاسهای واقعی درس، یادگیری معنی‌دار و درنهایت ارزشیابی مناسب دانشجو، نسل جدیدی از فارغ-التحصیلانی نقاد، پرسشگر، شکاک، نوآور، خلاق و کارآفرین بار بیاورند. در حقیقت چنین دانش-آموختگانی خواهند توانست تا با تعاملی پویا با محیط پیرامون نه تنها دچار تشویش و خودکم‌بینی نشده، بلکه در برآوردن نیاز خود و جامعه درنهایت کفایت و شایستگی زائدالوصفی را از خود نشان دهند. در این میان تقویت بعد استقلال دانشگاهی به همراه احترام به آزادی آکادمیک، تأکید بر یادگیری مادام‌العمر، پیشبرد فرایند توانمندسازی اعضای هیئت علمی، بازتعریف مسیر توسعه آموزش عالی کشور می‌تواند به‌منزله گام‌های استواری تلقی گردد که صحنه سیاست‌گذاری کشور در عرصه آموزش عالی را متحول خواهد کرد. البته در این میان نباید رعایت الزامات فنی، عمومی، مدیریتی، فرهنگی و ساختاری از نظر دور بماند و از چشم-اندازهای آینده ملی، منطقه‌ای و جهانی آموزش عالی غفلت شود. بدیهی است که نقش تعیین‌گری دولت در مدیریت دانشگاهی جای خود را به الگوی تسهیل‌گرانه بدهد که در آن بیشتر در کسوت یک بسترساز و جاده‌سافکن ظاهر خواهد شد. در امتداد این تحولات، الگوی مبتنی بر سیاست‌گذاری حکومت‌مدارانه در آموزش عالی به الگوی مبتنی بر اختیارات متخصصان و نهادهای حرفه‌ای و علمی تحول خواهد یافت و برنامه‌ریزی عقلانی و مبتنی بر پژوهش جایگزین برنامه‌ریزی مبتنی بر ایدئولوژی دولت خواهد شد (فراستخواه و منیعی، ۱۳۹۳). در سطح خرد نیز تغییر در برنامه‌های درسی دانشگاهی در جهت کاربردی کردن مطالب و تأکید بر مسئله‌محوری، ایجاد رشته‌های جدید میان‌رشته‌ای، ایجاد رشته‌های متناسب با آمایش سرزمین و مبتنی بر نتایج نیازسنجی‌های آموزشی، تأکید بر پرورش قوه خلاقیت و مهارت‌های ادراکی

^۳ Interdisciplinary

^۲ Multidisciplinary

^۱ Transdisciplinary

و انتقادی دانشجویان، بهبود کیفیت آموزش دانشگاهی، افزایش جذب دانشجویان خارجی، بازبینی و تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت و توجه به نقش اقتصادی دانشگاه‌ها در دستور کار سیاست گذاری نوین قرار گیرد. تحلیل سیاسی و قلمرو نظری برنامه‌ریزی آموزشی یک چشم‌انداز جامع‌تر از تحقیقات آینده سیاست گذاری آموزشی ارائه خواهد داد.

به نظر می‌رسد که نظام آموزش عالی در تلاش است با تأکید بیشتر بر رویکرد میان‌رشته‌ای، بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای به کاربردی‌تر کردن برنامه‌های آموزش عالی کمک کند.

منابع

- الوانی، مهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۱). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- استرمن، جان (۱۳۹۰). *پویایی‌شناسی کسب و کار*، ترجمه کوروش برار پور و همکاران، تهران، انتشارات سمت.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۲)؛ «ظرفیت‌سازی برای ارزیابی و ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی: تجربه‌های بین‌المللی و ضرورت‌های ملی در ایجاد ساختار مناسب»، *مجلس و پژوهش*، ش. ۴۱.
- تورانی، حیدر. (۱۴۰۱). *سیاست و سیاست گذاری آموزشی*. رشد مدیریت مدرسه. شماره ۱۳۹.
- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۳)؛ *استراتژی توسعه صنعتی کشور*، تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
- وزیری، مژده (۱۳۸۳)؛ «کیفیت آموزش عالی و ارزشیابی آن»، *مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار*، ج ۲، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

References

- Amiri farahabadi J., Abolghasemi M. and Ghahremani M. (2016). Pathology of the policy research process in the Iranian higher education system; Qualitative studies. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*. Volume 8. Number 4. Fall 2016. pp.139-171.
- Anderson, J. E. (1979). *Public policy-making* (2nd ed.). New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Azar A., Gholamrezaei D., Danaei fard H. and Khodad hosseini H. (2013). Analysis of Higher Education Quality Challenge in the Fifth Development Plan. *Rahbord farhang*. No.21. Spring 2013. (Persain).
- Azizi N. (2006). *An Introduction to the Development of Higher Education in Iran with Emphasis on the Humanities*. Tehran: Publications of the Cultural and

- Social Studies Research Institute of the Ministry of Science, Research and Technology. (Persain).
- Azizi N. (2008). Investigating the Challenges and Disadvantages of University Education in the Humanities: A Reflection on Students' Opinions. Iranian Journal of Higher Education. First Year. No. 2. pp. 1-20. (Persain).
- Azizi N. (2009). Higher Education and Learning Economics: A Look at the Expectations of Knowledge-Based Economic Systems from Universities and Higher Education Institutions. New Approaches and Perspectives in Higher Education, Publications of the Research Institute for Cultural and Social Studies. pp. 395-436. (Persain).
- Azizi N. (2016). Structural focus in higher education: An outdated approach to achieving lofty aspirations and highly changing circumstances. First National Congress of Higher Education. Tehran: Tarbiat Modares University. (Persain).
- Azizi N. (2017). Reforms in Higher Education: A Reflection on the Challenges of University Education in Iran. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies Publications. (Persain).
- Azizi, N. And Lasonen J. (2006). Education, Training and the Economy: Preparing Young People for a Changing Labour Market. Institute For Educational Research: Jyvaskyla University Press. (Persain).
- Azizi, N., Rigi, A., and Bazvand, M. (2017). The Employability of Graduate Students: How Critical Thinking is Effectively Taught in Master Course. In: F. Kaiser and S. Krugmann (Eds.). Social Dimension and Participation in Vocational Education and Training. University of Rostock, pp. 248-256. (Persain).
- Bazargan A. (1997). Quality and its evaluation in higher education: Another look at international experiences. Approach Quarterly. No. 155. pp. 60-70. (Persain).
- Bazargan A., Fath abadi J. and Eynolahi B. (2000). Appropriate internal evaluation approach for continuous quality improvement of departments in medical universities. Journal of Psychology and Educational Sciences. Faculty of Psychology and Educational Sciences. University of Tehran. new course. Year 5 (2). pp. 7-26. (Persain).
- Bullock, C. S., 111, Anderson, J. E., & Brady, D. W. (1983). Public policy in the eighties Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Campbell, R. F., & Mazzoni, T. L. (1976). State policy making for the public schools Berkeley, CA: McCutchan.

- Cultural Revolution Supreme Council (2004). Indicators of higher education evaluation. Session 550. (Persain).
- Daigle, S. and Cuocco, P. (2002). Public Accountability and Higher Education: Soul Mates or Strange Bedfellows? Research Bulletin of ECAR (EDUCAUSE Center for Applied Research), issue 9.
- Easton, D. (1953). The political system. New York: Knopf.
- Eston, D. (1965). A systems analyses of political life. New York: Wiley.
- Farasatkah M. (2006). Scientific Ethics The Secret of Higher Education Promotion. Ethics in Science and Technology Quarterly. No. 1. Winter 2006. (Persain).
- Farasatkah M. (2008). Future thinking on the quality of higher education in Iran; A model derived from the basic theory of GT. "Educational Sciences" research and planning in higher education. Winter 2008. No. 50. Pp. 67-96. (Persain).
- Farasatkah M. (2013). Critique of the policy-making model in higher education: [Report of the Social Criticism Chair of Higher Education], Iranian Sociological Association. 1-3. (Persain).
- Fathollahi A., Yamani A., Sabaghian Z., Farasatkah M. and Tabatabaei M. (2015). Content analysis of higher education development programs focusing on structural and functional changes in the independence of the university system. Tabatabai. Quarterly Journal of Science and Technology Policy. Year 7. No 1. Spring 2015. (Persain).
- Filippakou, O., Tapper, T. (2016). Policymaking and the politics of change in higher education: The new 1960s universities in the UK, then and now. London Review of Education, 14 (1): 11-22.
- Foiuzat Y. (1996). Fundamentals of educational planning. Editing Publishing. Tehran. (Persain).
- Geurts, Thei (2011). . Public Policy making the 21st Century Perspective.. pp.. 1-60. . Available at [www.. beinformed.. com](http://www.beinformed.com)
- Ghanei rad M. (2004). Unbalanced development of higher education; Unemployment of graduates and migration of elites. Social Welfare Quarterly. Year 4. 2004. No. 15. (Persain).
- Haddad, W. D. and Demsky, T. (1995). Education policy-planning process: an applied framework. Paris: UNESCO.
- Hadi Peykani M. (2009). A model for the policy-making process in the higher education system of the Islamic Republic of Iran. (PhD thesis in public administration). Allameh Tabatabaei University. (Persain).

- Heclo, H. H. (1972). Review article: Policy analysis: British Journal of Political Science, 2, 84-85.
- Heslep, R. D. (1987). Conceptual sources of controversy about educational policies. Educational Theory, 37, 423-432.
- Hosseini Iorgani M., Fathi K., Ejargah K., Mahbubi A. and Zarafshani K. (2014). Conceptualization of redundant learning and strategies to reduce it in the Iranian higher education system from the perspective of higher education experts. Quarterly Journal of Educational Measurement and Evaluation Studies. 5th Year. No. 9. Spring 2015. pp.9-33. (Persain).
- House, P. W. (1982). The art of public policy analysis. Beverly Hills, CA: Sage Publication.
- Jenkins, W. L. (1978). Policy analysis. London: Martin Robertson.
- Jones, C. O. (1984). An introduction to the study of public policy (3rd ed.) Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Lindblom, C. E. (1980). The policy making process (2nd ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Mardani A. (2013). Iran's higher education development model. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. (Persain). Mohammadi R., Fathabadi J.,
- Moradi M. (2017). An Introduction to the Historical Sociology of the Social Demand for Education in Iran. Research in Educational Systems. No. 26. Spring 2017. (Persain).
- Nafisi A. (2002). Review of the experience of education planning in Iran after the Islamic Revolution. Education Quarterly. No. 19. (Persain).
- Nowruz zadeh R. and Moghadasi J. (2010). Educational policy-making and planning in Iran with emphasis on the fourth program of economic, social and cultural development. Letter of higher education. new course. Year 3. No. 11.
- Sergiovanni, T. J., Burlingame, M., Coombs, F. D., & Thurston, P. W. (1980). Educational governance and administration. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Yadegarzadeh GH., Mirzamohammadi M. and Parand K. (2005). Quality Assessment in Higher Education: Concepts Principles, Methods, Criteria. Publications of the National Education Evaluation Organization. (Persain).

Analysis of the structure of the educational policy mechanism in the higher education system

Poorya Fatehi¹

Abstract

Undoubtedly, each of these universities, based on its structure, reasons for its formation and functions to develop and achieve the assigned missions, has drawn a specific path according to their strategies and programs, which are rooted in their policies. Therefore, how to follow these specific paths can be a roadmap for scientific and research institutions, including higher education in the country. The present review study in order to examine the policy approach in the new generation of universities and model it for the productivity of higher education in the country, in addition to studying the forms and functions of the new generation of universities along with explaining the challenges of higher education To provide a conceptual model for policy-making in Iranian higher education and to provide scientific and practical solutions in this regard.

Keywords: Politics, Educational Policy Making, Higher Education System.

¹ PhD student in educational management, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.